مرز بین حقیقت و خرافه‏

سخنرانی نماینده محترم ولی فقیه در سپاه حضرت حجةالاسلام والمسلمین سعیدی‏

آنچه پیش روی دارید سخنرانی نماینده محترم ولی فقیه در سپاه حضرت حجةالاسلام‏والمسلمین سعیدی می‏باشد که تحت عنوان مرز بین حقیقت و خرافه در همایش سیاسی ساحفاساصورت گرفته است.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحمَنِ الرَّحِیم. اَلحَمدُ وَالشُّکرُ للّه رَبِّ العَالَمِین وَالصلوة وَالسَّلامُ عَلَی خَیرِخَلقِهِ اَبِی القَاسِم مُحَمَّد وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِریِن اَلهُدَاتِ المَهدِیِین. خدا را شاکرم که‏به بنده توفیق داد در جمع و محفل فرزندان رشید اسلام، پیشکسوتان جهاد ومبارزه و چهره‏هایی که همواره خدمات و زحمات آنها مشهود جامعه سپاه‏نیست، اما در نزد خدا همواره مورد تأیید است باشم.

با توجه به شرایط کنونی عنوان بحث (مرز بین حقیقت و خرافه) است.امروز حجم عظیمی از خرافات را در قالبهای مختلف در جامعه می‏بینیم که نیازبه واکاوی و کالبد شکافی دارد. سؤالاتی که در این خصوص مطرح است عبارتنداز:

1. خرافات چیست و از کجا نشأت می‏گیرد؟

2. مرز بین خرافه و حقیقت چیست؟

به نظر می‏آید خرافه یک موضوع مهم و حساس است که جامعه ما با آن‏مواجه شده ونیاز به بررسی و مقابله دارد. با کمال تأسف برخی از این جریانهای‏خرافه‏گرا و صوفی‏مسلک ولو در حد اندک در داخل سپاه هم نفوذ کرده و برخی‏از پاسداران بدون توجه به مسائل پیرامونی در دام عناصر شیاد قرار گرفته و به‏یکسری تفکرات انحرافی آلوده شده‏اند که نیازمند به یک حرکت همه‏جانبه‏است.

سه نکته به عنوان مقدمه:

1. معمولاً در هر جامعه‏ای کم و بیش خرافه وجود دارد. منتها کم و زیاد،شدت و ضعف و جریانی بودن آن مهم است، که امروز در جامعه ما، به صورت یک‏جریان، فعال شده و کار می‏کند.

2. بروز و ظهور مظاهری از خرافات و گرایش جامعه به آن و اعتماد به‏ادعاهای دروغین و بی‏اساس که در حال گسترش است.

3. ضرورت دارد این موضوع بررسی و ابعاد قضیه هم شناسایی شود. حتی ازدید امنیتی و فرهنگی باید این موضوع مورد کاوش قرار گیرد و منشأ این‏اندیشه‏ها و تفکرات را باید بدست آورد و نحوه مقابله را پیدا کرد.

اول: مفهوم خرافه‏

خرافه در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل، افسانه، دروغ، که یکی‏از مصادیق آن را می‏توان ادعاهای بی‏اساس تلقی کرد. خیلی از ادعاهایی که‏امروز در جهت ارتباط با امام زمان(عج) یا ادعای الوهیت و نبوت و ادعای‏کرامت مطرح می‏شود از مصادیق خرافه است.

دوم: مظاهر و نمودهای خرافه‏

الف. ظهور صوفی‏گری در لباس عرفان.

ب. ادعای الوهیت، نبوت، امامت یا نیابت از امام زمان(عج) .

ج. ادعای ارتباط با امام زمان(عج) .

د. ادعای کرامت براساس خواب، توهم و صحنه‏های ساختگی.

ه . فعالیت‏های فال‏گیری، مال‏یابی و رمالی.

یکی از کارهای پردرآمد در کشور، رمالی، مال‏یابی و فال‏گیری است. دغدغه‏این است که چرا جامعه ما بعد از گذشت سه دهه از انقلاب اینقدر آسیب‏پذیر وتأثیرپذیر از این عناصر است.

سوم: عوامل و علل گرایش به خرافات چیست؟

الف. جهل و سطحی‏نگری و عوامی‏

یکی از عوامل گرایش به خرافات، سطحی‏نگری و عوامی است. چون فرددرک و بینش درستی ندارد به سراغ چنین مسائلی می‏رود.

ب. ضعف اعتقادی‏

فرد به دلیل ضعف بنیه اعتقادی به دام چنین شیادانی می‏افتد و نمی‏تواندمصداق واقعی و غیر واقعی کرامات را تشخیص دهد. اصلاً کسانی که ادعای‏ارتباط با امام زمان دارند، مشکل دارند. چون کسی که با امام زمان(عج) ارتباط دارد داعی برای گفتن و راضی نیست هیچگاه در زمان حیاتش گفته‏شود. بعضی از بزرگان که ارتباطشان با امام زمان(عج) لو رفته اصرارداشته‏اند که در زمان حیاتشان ذکر نشود تا جلوی سوء استفاده‏ها گرفته شود.

ج. عجز از توسل به اسباب و عوامل طبیعی‏

فرد از طریق عوامل طبیعی و مشروع چون نمی‏تواند و عاجز است به‏خواسته‏اش نمی‏رسد. در نتیجه به عوامل غیر طبیعی مراجعه می‏کند. مثلاًدختری به این افراد مراجعه می‏کند تا از طریق رمل به زندگی مناسبی دست‏یابد. امّا گرفتار مخمصه شده و به مشکلات بیشتری گرفتار می‏شود.

د. ناکامی و یأس از دست‏یابی به خواسته‏ها

چون فرد از دستیابی به خواسته‏هایش مأیوس می‏شود دست به عواملی‏می‏زند به امید آنکه بتواند مشکل خود را حل کند. ولی جزء خسارت و نا امیدی‏چیز دیگری را بدست نمی‏آورد.

چ. ترس و احساس شگفتی از حوادث اتفاقی و تصادفی‏

فرد از یکسری حوادث تصادفی ترسیده و وحشت می‏کند و لذا پناه می‏بردبه دعانویس که در امان بماند.

ح. معرفت‏طلبی و حس کنجکاوی‏

یکی از عوامل گرایش به خرافات حس کنجکاوی است. یعنی فرد دنبال‏کسی رفته تا مطلبی را کشف کند در حالی که انحرافی است.

خ. بی‏اطلاعی از ماهیت جریان‏های خرافه‏گرا

یکی از عوامل گرایش به مسائل، اطلاع نداشتن از ماهیت جریانها است.بسیاری از افراد و دست‏اندرکاران خرافات افراد آلوده و شکست خورده هستند.افراد ساده‏لوح بدون شناخت از ماهیت آنان در دام آنها قرار می‏گیرند.

چهارم: اهداف و انگیزه‏های دست‏اندرکاران به خرافه‏

چه کسانی دست‏اندرکار این جریان خرافه‏گرا هستند؟

الف. عوامل کلان‏

این عوامل عبارتند از استکبار، بنگاه‏های جاسوسی و جریانهای ضد دینی‏که پشت صحنه خرافه‏گرایی هستند و مسأله را با اهداف زیر ترویج می‏کنند:

1. مقابله با موج دین‏گرایی‏

این جریانها معتقدند برای مقابله با موج دین‏گرایی باید پادزهر را فراهم‏کرد. پادزهر آن خرافه‏گرایی است. آقای فوکویاما در کنفرانس (بازشناسی‏اندیشه شیعه) گفته است: برای مقابله با مهدویت، ولایت‏پذیری شیعه وعاشورا باید پروژه‏سازی، بدل سازی و جریان‏سازی کنید تا بتوانید با یک بدل‏قلابی اصل ماجرا را زیر سؤال ببرید.

2. مقابله با حاکمیت دینی‏

از دیگر انگیزه‏های استکبار برای توسعه خرافات و ترویج اندیشه‏ها، فرقه‏هاو نحله‏های انحرافی مقابله با نظام اسلامی و حکومت دینی است.

3. مقابله با موج معنویت‏گرایی واقعی‏

در برابر معنویت‏گرایی واقعی که در دنیا راه افتاده، صوفی‏گری را به راه‏انداخته‏اند. یک مؤسسه تحقیقاتی در قم گزارش می‏داد دو هزار عنوان کتاب ازعرفان ساختگی از غرب، شناسایی کرده‏ایم که بخش عمده‏ای در ایران ترجمه‏شده و توزیع می‏شود. اما برای عرفان اسلامی پنجاه عنوان هم نتوانسته‏ایم پیداکنیم.

4. مقابله با موج اصول‏گرایی‏

برای تخریب مبانی اصول‏گرایی باید یکسری واژه‏ها و اصطلاحاتی را ساخت‏و جریاناتی را درست کرد که با آن مقابله کند. اصولگرایی یعنی وابستگی ووفاداری به اصول و مبانی دینی و ارزشی و برخورداری از انگیزه و روحیه‏دین‏مداری و ولایت‏پذیری برای پاسداری از کیان اسلام و مقابله با دشمنان.به‏طور طبیعی جریان خرافه‏گرا و مروج صوفی‏گرایی درصدد مقابله با این‏روحیه تزریق روحیه انزواطلبی و محافظه‏کاری است.

5 . تشدید اختلافهای مذهبی و قومی‏

یکی از انگیزه‏های آنها ایجاد اختلاف‏های قومی و مذهبی در جامعه است.مثل بزرگ کردن فرقه‏های علی‏اللهی و دیگر فرقه‏های ساختگی و یابرجسته‏سازی اختلافات شیعه و اهل سنت که در راستای این هدف می‏باشد.

ب. عوامل خُرد

عوامل خود جریانهای فکری و افراد منحرف هستند که به تنهایی کارهایی‏را شروع کرده و انگیزه‏هایی زیر را دنبال می‏کنند:

1. سوء استفاده مادی‏

یکی از راههای پردرآمد سوء استفاده مادی است. خانمی در تهران‏ادعاهایی را مطرح و جمعیتی را به دنبال خود کشیده بود. وقتی دادگاه ویژه او رادستگیر کرد، رئیس دادگاه می‏گفت در یکی از حسابهایش 500 میلیون تومان‏پول دارد. در حالیکه این خانم چند سال قبل چیزی نداشته و با ورود به این‏ادعاهای واهی و پوچ، مردم پول هنگفتی را به او داده‏اند.

2. سوء استفاده‏های اخلاقی‏

از جمله انگیزه‏های عوامل خرد در طرح ادعاهای دروغین و مدّعی‏تأثیرگذاری در زندگی دیگران، سوء استفاده اخلاقی است. چه افراد غافلی که‏گرفتار دام این عناصر شدند و یا خانواده‏هایی که در اثر تأثیرپذیری از این عناصردچار مشکل گردیدند.

3. شهرت‏طلبی‏

از دیگر انگیزه‏های مدعیان کذات شهرت‏طلبی است. عناصر کم‏ظرفیت وشکست خورده در عرصه‏های مختلف با دستیازی به این شیوه‏ها درصدد کسب‏شهرت و منزلت اجتماعی هستند. روحانی بنام کاظمینی نمونه شهرت‏طلبی‏است. او یک روحانی است که بار و ظرفیتی ندارد و برای بزرگ‏نمایی و کسب‏شهرت وارد چنین عرصه‏هایی می‏شود.

4. مقابله با حکومت دینی‏

از دیگر انگیزه‏های عناصر و عوامل توسعه خرافه، تقابل و مخالفت باحکومت دینی است. که از جمله راه‏کار مقابله با یک حقیقت مخلوطسازی آن باخرافات و اموری که با عقل سازگاری ندارد،می‏باشد. مثل ترویج سکولاریزم و ترویج اینکه حکومت قبل از امام‏زمان(عج) باطل است و... .

پنجم: شگردهای جریان خرافه‏

1. سوء استفاده از احساسات مذهبی‏

یکی از مهم‏ترین ابزار این افراد سوء استفاده از احساسات مذهبی است.چون مردم به کرامات ائمه و خصیصین اعتقاد دارند از این طریق‏دست‏اندرکاران خرافه ترفندهایی را بکار می‏برند که طرف باور کند و موجب‏جلب اعتماد موقت او گردد.

2. انحراف در گرایشات جامعه به عرفان و معنویت‏

جامعه ما تشنه عرفان است. دنبال آب زلال می‏گردد. چون در خیلی از جاهاآب زلال گیر نمی‏آورد دنبال آب گل‏آلود می‏رود. در جلساتی که مسائلی با رنگ‏و لعاب دینی دارد و زمینه‏ساز آرامش تصنعی آنها است به این سمت کشیده‏می‏شوند.

3. نفوذ از طریق عوامل مورد توجه همچون وعاظ و مداحان‏

بعضی از منبریها و مداحان بدون اینکه بدانند زمینه‏ساز جریان تفکرصوفی‏گری در جامعه می‏شوند. منبرهایی در این سبک که برای مردم جاذبه‏دارد. محتوی منبر و مداحی علاوه بر اینکه باید بر معنویت و ایمان تکیه نمایدباید بر جامعیت اسلام و عنایت به ابعاد مختلف تربیت انسان استوار باشد وزمینه تقویت روحیه انقلابی را فراهم نماید.

4. نفوذ در محافل و مجالس بانوان‏

نفوذ در جامعه زنان و تأثیرگذاری روی خانواده‏ها از دیگر شگردهای جریان‏خرافه‏گرا است. زنان احساسی‏تر هستند و از جهات اطلاعات دینی آگاهی‏کمتری دارند و بیشتر به دام این مسائل می‏افتند و بعضاً عوارضی در بین‏خانواده‏ها بوجود می‏آید که جبران آنها مشکل می‏شود.

5 . بهره‏گیری از ابزار رسانه‏ای‏

بهره‏گیری از ابزار رسانه و توسعه اندیشه‏های انحرافی از دیگر شگردهاست.مثل کتاب، سایت که متأسفانه سایتهایی برای ترویج تفکر صوفی‏گری فعال‏است.

6 . بهره‏گیری از برخی روایات مجعول یا ضعیف السند

برای تأثیرگذاری در مخاطبین، بهره‏گیری از احادیث ضعیف السند و یابرداشتهای شخصی و تفسیر به رأی از دیگر شگردهاست.

ششم: عوارض توسعه خرافه‏گرایی‏

1. ایجاد شبهه در حقایق و توسعه نسبیت و تکثرگرایی‏

این جریان باعث می‏شود که مردم به اصالت حقایق شک کنند و بدبینی‏نسبت به بسیاری از ارزشها به‏وجود آید.

2. تشکیک در معارف دینی‏

این عارضه اعتبار معارف دینی را از کار می‏اندازد و انسانها را نسبت به‏بسیاری از معارف دینی و تکالیف الهی بی‏انگیزه و سست می‏کند.

3. ایجاد انحراف در اعتقادات و باور مردم‏

وقتی باطل با حق مخلوط شد انحراف در معیارها به وجود می‏آید و در تاریخ‏هم شاهدیم. زمانی که مقام معظم رهبری موضوع قمه را مطرح کردند. یکی ازافرادی که کمک زیادی به حل مسأله قمه کرد، مرحوم علامه عسگری بود.گروهی خدمت ایشان رفتند. ایشان با بیان تاریخچه و پیدایش قمه و نقش‏استعمار در توسعه این موضوع با نقل حدیثی از سفینه البحار فرمودند: لات،منات، هبل و عُزّی شخصیتهای تاریخ گذشته بوده، در زمان حضرت نوح‏زندگی می‏کردند و افراد بسیار خوب و مورد قبول مردم بودند و مردم به اینهامراجعه می‏کردند و مستجاب الدعوه بودند. وقتی از دنیا رفتند مردم برای‏توسل بر سر قبر آنها حاضر می‏شدند. بعد یک تصویری از اینها بعنوان تبرک درمنازل خود می‏کشیدند و بعد تجسم پیدا کردند و جای خدا را گرفت.

لات، عُزَّی، هُبَل و منات افراد اصیل، متدین و موحد بودند و بر اثر مرورزمان جریانهایی وارد عرصه شدند و از این چهار آدم مقدس بنده خدا، چهارخدای سنگی و چوبی درست کردند و تحویل جامعه دادند. از این نمونه‏ها زیاداست که خرافه‏ها وارد حقیقت شده و ماهیت آن را تغییر داده است.

4. تخدیر افکار جامعه، ایجاد انفعال، زمینه انزوا و کاهش روحیه‏انقلابی‏

این عارضه برای جامعه انقلابی حکم سمّ و مواد مخدر است. نوع تفکرجامعه را از حس و حرکت می‏اندازد. دستگاه فرهنگی نمایندگی و امنیتی‏حفاظت اطلاعات به‏شدت باید روی سپاه حساس شود. این حرکت در بسیج وسپاه سم مهلک است. باید اخلاق و تربیت را دنبال کرده، مروج مسیر درست‏تربیت و اخلاق شویم که پاسداران و بسیجیان به دام نیفتند.

5 . ایجاد اختلاف بین اعضاء خانواده‏ها و بروز درگیریها و خشونتها

نفوذ اندیشه‏های صوفی‏گری و پذیرش ادعای دروغین، باعث بروز اختلاف‏در خانواده‏ها، شده و باعث پیدایش خشونتها و جدائیها می‏شود.

6 . قرار گرفتن در دامهای فساد، جاسوسی، سرقت و قتل‏

از عوارض منفی جریان خرافه‏گرا قرار گرفتن افراد در تور و دام جاسوسی،فساد و بسیاری از انحرافات دیگر می‏باشد.

7. آسیب دیدن و حیثیّت خانوادگی و اجتماعی‏

قرار گرفتن افراد و خانواده‏ها در دام جریان خرافه‏گرا موجب آسیب دیدن‏حیثیت اجتماعی خانواده‏ها می‏شود و بسیاری از انسانها که وارد این عرصه‏می‏شوند به حیثیت آنها لطمه وارد می‏شود.

هفتم: منطق مقابله با خرافات و خرافه‏گرایان‏

1. منطق عقل‏

همان‏طور که برای درمان بیماری، سه مرحله باید طی شود. اول: پزشک‏متخصص؛ دوم: تهیه دارو براساس نظر پزشک؛ سوم: مصرف دارو طبق دستور؛اینکه شخص مریض مستقیم به داروخانه رفته، دارو بردارد و مصرف کند وبیماری او خوب شود؛ احتمال خیلی ضعیف است.

عقل می‏گوید اگر بناست شما به کسی مراجعه کنید در درجه اول بایدمتخصص باشد. همان‏طور که یک انسان مسلمان برای اصلاح سر و صورت به‏آرایشگاه مراجعه می‏کند و برای لباس به خیاط چرا برای مسائل دینی به هرفردی بدون شناخت کامل مراجعه شود؟

مقایسه یک بیمار با کسی که دنبال کمال می‏گردد چقدر تفاوت دارد؟ یک‏بیماری برای درمانش سه مرحله را باید طی کند اما یک انسانی که در مسیرکمال و سعادت است باید خیلی دقت کند. حق ندارد به هر کسی مراجعه نماید.باید خیلی وسواس داشته باشد و مراجعه به هر کس نشانه آسیب‏پذیر بودن‏جامعه است.

تهاجم فرهنگی یک مسأله و تهاجم‏پذیری مسأله دیگری است. متأسفانه‏بخشی از جامعه ما تهاجم‏پذیر هستند. به تعبیر آیت‏اللّه حائری شیرازی‏می‏فرمود: جنگل تر را به زحمت می‏توان آتش زد اما جنگل خشک با یک‏جرقه‏ای آتش می‏گیرد. جامعه آسیب‏پذیر با کوچک‏ترین جرقه‏ای آتش‏می‏گیرد اما یک جامعه شاداب و با نشاط در برابر امواج انحرافات واکنش نشان‏می‏دهد.

2. منطق دین‏

قرآن می‏فرماید: (و لا تقف ما لیس لک به علم) از آنچه که بدان علم‏نداری پیروی مکن. قرآن به ما فرمان می‏دهد آنچه را نمی‏دانید از اهل فن سؤال‏کنید و دنبال حجت و دلیل بگردید. (فاسئلوا اهل الذکر) از کسانی که اهل فن‏و متخصص هستند بپرسید نه از هر کسی. امام صادق(ع) می‏فرماید:(انظروا علمکم هذا عمّا تأخذونه) توجه کنید دانش‏تان را از چه کسی‏می‏گیرید. این افراد می‏خواهند راه و مسیر را به شما نشان بدهند و بایدها ونبایدها را بگویند. بخصوص بایدها و نبایدهایی که با دین ناسازگار است.

امام صادق(ع) می‏فرماید: (ایاک و خصلتین و فیها هلک من‏هلک) دو خصلت هلاک کننده است. اول: آنکه بدون مبنای علمی فتوادهی.دوم: به چیزی که بدان علم نداری علم پیدا کنی. آدم اگر به چیزی که علم، پایه واساس ندارد وفادار شده و دنبال کند هلاک می‏شود.

عمل اگر مستند و بر مبنای حجت نباشد نه ارزش دارد و نه نتیجه‏بخش‏است. اعمال باید براساس حجت باشد. مرحوم آیت‏اللّه حائری یزدی تعبد به‏احکام و عبادات را به نقشه گنج مثال می‏زدند. ایشان می‏فرمود: نقشه گنج شمارا به یک نقطه مشخص هدایت می‏کند. اگر شما در این مسیر کوچک‏ترین‏اشتباهی کنید به گنج نمی‏رسید. مسائل دین هم این‏طوری است. باید دقیقاً به‏استانداردها توجه کنیم. ما حق نداریم در دین اضافه یا کم کرده و به کسی‏مراجعه کنیم که نمی‏دانیم چقدر به دین مسلط است.

3. منطق سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع)

سیره پیامبر(ص) چگونه بود؟ پیامبر(ص) در کودکی با خرافات به‏مقابله پرداخت. حضرت در کودکی به حلیمه سعدیه گفتند: چرا مرا همراه‏گوسفندان به بیابان نمی‏فرستی؟ و بعد از اصرار، حلیمه او را برای رفتن به بیابان‏آماده کرده و مهره‏ای را گردن او آویخت. پیامبر(ص) فرمودند: این چیست؟حلیمه گفت: این مهره تو را از خطرات حفظ می‏کند. پیامبر(ص) مهره را ازگردن درآورده، فرمودند: کسی که حافظ من است، زنده و بیدار است. حضرت درسنین بالاتر هم در مقابل این جریانات ایستادند و مقابله می‏کردند.

امام صادق(ع) نقل می‏کنند: وقتی در یک حادثه‏ای فرزندپیامبر(ص) (ابراهیم) رحلت کرد. خورشید گرفت. مردم گفتند خورشیدگرفتگی به خاطر فوت فرزند پیامبر(ص) است. پیامبر(ص) اعلان کردندمردم به مسجد بیایند و فرمودند: هیچ ربطی بین فوت فرزند من و خورشیدگرفتگی نیست. خورشید گرفتگی براساس گردش، اتفاق افتاده، فرزند من هم‏عمرش به پایان رسیده، از دنیا رفته است.

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به امام هادی(ع) مراجعه کردند وگفتند: من می‏خواهم دین خود را به شما عرضه کنم. آیا آنچه که من به آن‏معتقدم درست است یا نه؟

آدم باید دینش را به کسی عرضه کند که تخصص داشته باشد. چه اشکال‏دارد که فرد برای عقاید خود به بزرگان دین که دارای تخصص و تجربه‏اندمراجعه نماید.

هشتم: راه‏کارها

بروز و ظهور مظاهری از خرافه در جامعه به ویژه پشتیبانی استکبار ودشمنان اسلام از این حرکت برای جامعه کنونی ما بسیار خطرناک است و نیاز به‏برخورد همه‏جانبه دارد. به برخی از راه‏کارها اشاره می‏شود:

1. اتکاء به منابع مستند و مراجع مورد اعتماد

اساسی‏ترین نیاز انسان که زمینه‏ساز تکامل و وصول به جوار قرب الهی وقرار گرفتن در بهشت جاودان می‏شود دین و آئین اسلام و توجه درست به‏بایدها و نبایدها آن است. در آئین مقدس اسلام بایدها و نبایدها دارای محدوده‏دقیق و حساسی است که جز با اتکاء به منابع مستند و مراجع مورد اعتمادبدست نمی‏آید.

یک مسلمان و معتقد به مکتب حیاتبخش شیعه حق ندارد برای دریافت‏معارف دینی و احکام شرعی به هر فردی مراجعه کند. بلکه نیاز به تفحص و تحقیق‏و مراجعه به اهل خبره دارد. تا آدمی اعتماد حاصل نکند نباید خود را عرضه کند.از سوی دیگر برای حرکت در مسیر کمال و ورود در جاده عبودیت و سیر و سلوک‏بندگی باید به الگوهای مورد اطمینان که سالیان طولانی را در این وادی گام‏برداشته و به مدارجی از کمال رسیده و مورد تأیید مراجع کارشناس و اهل خبره‏هستند اتکاء و اعتماد نماید. هر فردی را نمی‏توان به‏عنوان الگو و اسوه انتخاب‏نمود.

تاریخ گذشته سرشار از الگوهای کامل و مورد وثوق بوده و در دوران معاصر،جامعه ما برخوردار از انسانهای وارسته است که دارای جامعیت لازم درهدایت‏گری هستند. می‏توان با اتکاء و اعتماد به آنان نگرش و رفتار فرد را از قرارگرفتن در وادی گمراهی و لغزشها مصون نمود.

2. تبیین مرز بین حقیقت و خرافه‏

از دیگر راه‏کارهای مصونیت فرد و جامعه از لغزشها، روشن نمودن قلمروحقیقت و معیارها و شاخص‏های آن توسط اصحاب رسانه است. چه رسانه‏های‏سنتی همچون منبر و مداحی و چه رسانه‏های شنیداری، دیداری، نوشتاری وبهره‏گیری از شبکه گسترده اینترنت که برای افشای عوامل پشت صحنه جریان‏خرافه و تبیین انحرافات مدعیان دروغین مؤثر می‏باشد. تا کسانی که در اثرسطحی‏نگری و ساده‏اندیشی در این وادی قرار نگرفته و گمراه نشوند.

3. برخورد با جریان خرافه‏

از آنجا که جریان خرافه‏گرا در جهت انحراف افکار عمومی و تخدیر اندیشه‏هاگام برمی‏دارد و درست در جهت عکس حرکت انقلاب تلاش می‏کند، مراجع‏اطلاعاتی، انتظامی به‏ویژه مراجع قضایی باید برخورد همه‏جانبه و شدیدتری بااین موضوع و عوامل پشت صحنه و مجریان منحرف آن بعمل آورند؛ تا جامعه‏احساس امنیت بیشتری در دریافت معارف اصیل دینی داشته باشد.